



## خاندان دراج

خاندان دراج جزء اقوامی بودند که در کوفه مقیم بودند و عده‌ای از آن‌ها **راوی**، **محدث** و **فقیه** نامدار شیعی بودند. در این نوشتار چند مورد از آن راویان مورد بررسی قرار گرفته است.

### فهرست مندرجات

- ۱ - نوح بن دراج نخعی
  - ۱.۱ - نوح از نظر رجالین
  - ۱.۲ - نشان گویایی از تشیع نوح
- ۲ - جمیل بن دراج نخعی
  - ۲.۱ - مشخصات جمیل
  - ۲.۲ - وثاقت جمیل
  - ۲.۳ - ققاهت جمیل
  - ۲.۴ - نام جمیل در کتب اربعه
  - ۲.۵ - ویژگی‌های روایت جمیل
  - ۲.۶ - راویان روایت از جمیل
  - ۲.۷ - تألیفات جمیل
  - ۲.۸ - جمیل از حاملان احادیث خاص امامان
  - ۲.۹ - شک جمیل در امامت امام رضا
    - ۲.۹.۱ - عدول از شک
  - ۲.۱۰ - ویژگی‌های علمی و اخلاقی جمیل
    - ۲.۱۱ - درگذشت جمیل
- ۳ - ایوب بن نوح دراج نخعی
  - ۳.۱ - مقدمه
  - ۳.۲ - ایوب در محضر امامان
  - ۳.۳ - استادان
  - ۳.۴ - شاگردان
  - ۳.۵ - وجاهت ایوب
  - ۳.۶ - خصلت‌های معنوی و انسانی
  - ۳.۷ - فرزند ایوب
  - ۳.۸ - میراث جاودان
  - ۳.۹ - گرایش روایتی ایوب
  - ۳.۱۰ - روایت با واسطه ایوب
  - ۳.۱۱ - غروب نامعلوم
- ۴ - کتاب‌نامه
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

### نوح بن دراج نخعی

نوح بن دراج نخعی پدر ایوب بن نوح و اهل کوفه و از محدثان بزرگ و فقیهان برجسته به شمار می‌رود که در کوفه و **بصره** و در آخر عمر در بخش شرقی **بغداد** - در روزگار حکمیت **هارون** - مسئولیت **فضاوت** را به عهده داشته است.

← نوح از نظر رجالین

نوح بن دراج، پدر ایوب بود، نوح بن دراج (یا دراج) است. درباره او مطلب چندانی نمی‌دانیم، مگر اینکه از اهل کوفه بوده، و گفته‌اند که در بازار کوفه شغل سلاه (بقالی) داشته است. [\[۱\] ذهبی، شمس‌الدین، میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۷۶.](#)

[۱۱] خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱۵، ص ۴۳۱.

[۱۲] محمد بن حسن طوسی، رجال کشی، ج ۱، ص ۲۵۲.

دانشمندان رجال گفته‌اند که نوح بن دَرّاج از محدثان بزرگ و فقیهان برجسته به شمار می‌رود که در کوفه و بصره و در آخر عمر در بخش شرقی بغداد - در روزگار حکمیت هارون - مسئولیت قضاوت را به عهده داشته است و همان‌گونه که برخی از چهار دهه‌های شکوهمند شیعی همچون: **علی بن یفطین**، **عبدالله بن سنان** و **محمد بن اسماعیل بن یزید** به سبب مصلحت‌هایی وارد دستگاه **حکومت** می‌شدند، نوح بن دَرّاج نیز با همین انگیزه‌ها به قضا پرداخت. قضاوت او همواره با محقق و منطبق بر روایاتی بود که از روش و سیره حضرت امیرمؤمنان به دستش رسیده بود و در این راه، لحظه‌ای از روش خود عدول نکرد.

**نجاشی** هنگامی که به معرفی برادر نوح، یعنی جمیل بن دَرّاج می‌پردازد، چنین می‌گوید: نوح بن دَرّاج یکی از عالمان و محدثان شیعی است، ولی او اعتقاد و باور خویش را به ولایت و مکتب **تشیع** خیلی آشکار نمی‌کرد و به تعبیر رساتر او **تقیه** می‌کرد.

[۱۳] احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۲۶.

همچنین نجاشی وقتی که سیمای ایوب را معرفی می‌کند، می‌گوید: پدرش در کوفه قضاوت می‌کرد و آرمان‌ها و باورهای او درباره ولایت **امامان شیعه** صحیح و درست بود.

[۱۴] احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.

رجال شناس گران قدر، **کشی**، نیز در این زمینه می‌نگارد: استادم **محمد بن مسعود عیاشی** گفت: از استادم ابو جعفر **حمدان بن احمد کوفی** درباره شان و جایگاه نوح پرسیدم. پاسخ داد: او یکی از دانشوران فرزانه شیعی و قاضی کوفه بود. به او گفتند: چرا داخل دستگاه عباسیان شدی؟ در پاسخ گفت: من داخل حکومت نشدم و به منصب قضا تن ندادم، مگر اینکه روزی از برادرم جمیل پرسیدم: چرا در **مسجد** برای **نماز** حضور پیدا نمی‌کنی؟ او فرمود: چون من حتی لباس مناسبی که به مسجد بپایم، ندارم.

[۱۵] محمد بن حسن طوسی، رجال کشی، ج ۱، ص ۲۵۱.

بخش آخر این **روایت** که به نقل از یکی از متون کهن رجال است، نشان می‌دهد تنگی معیشت گریبان‌گیر گروه زیادی از پیروان **اهل بیت** بوده است و آنان از روی نلچاری به قضاوت می‌پرداخته‌اند.

صاحب اثر گرانسنگ **معجم رجال الحدیث**، نوح بن دَرّاج را در سلسله محدثان شیعی با اعتقاد خالص و نلب به خاندان پاک **پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)** به شمار آورده است.

[۱۶] ابو القاسم موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

## — نشان گویایی از تشیع نوح

برخی از **روایات** نشان گویایی است از تشیع او و باورش به مکتب اهل بیت و رهپویی در مسیر و خط ولایت علوی؛ چنان‌که **شیخ صدوق** در داستان جالب و آموزنده زیر بدان اشاره کرده است:

دشمنان سوگند خورده **امام کاظم (علیه‌السلام)**، نزد **هارون عباسی** بر ضد آن حضرت دروغ‌راکنی می‌کردند؛ به گونه‌ای که **ترس** از دست دادن تاج و تخت سراسر جان تاریک هارون را فراگرفت. بدین سبب، روزی او **حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام)** را نزد خود طلبید. در آغاز دیدار رفتار زشت و نامناسبی از هارون سر زد و خشم و کین دیرینه خود را ابراز کرد. او در حالی که سرشار از کین و حسد بود، رو به **امام** کرد و گفت: چرا شما اهل بیت (فرزندان علی (علیه‌السلام)) ادعا می‌کنید که از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) **ارث** می‌برید؛ در حالی که با وجود عمو (عباس)، پسر عمو (علی (علیه‌السلام)) از ارث محروم می‌شود. زمانی که **رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)** از دنیا رفت، **ابوطالب** قبلاً از دنیا رخت بر بسته و **عیسای عمومی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)** زنده بود. پس میراث پیامبر باید به عمویش برسد، نه به علی که فرزند ابوطالب است.

امام (علیه‌السلام) در پاسخ فرمود: مرا از پاسخ معافدار و از مسائل دیگر پرسش کن. هارون گفت: هرگز این را نمی‌پذیرم، مگر اینکه پاسخ مرا بدهی. آن‌گاه آن حجت خدا فرمود: از حضرت علی بن ابیطالب نقل شده است که اگر فرزند صلبی شخص متوفا - چه دختر و چه پسر - زنده باشند، با وجود آنان کسی از متوفا ارث نمی‌برد، مگر **پدر** و **مادر** و **زن** و یا **شوهر**، و با وجود فرزندان علی، برای عمو ارث ثابت نیست. در **قرآن** ارث بردن عمو با وجود فرزندان، بیان نشده است، بلکه این مطلب ناصواب را ابوبکر و عمو و بنی امیه گفته‌اند و سخن آنان مبنای صحیحی ندارد و از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) در این باره روایتی نرسیده است، اما عالمان فرزانه‌ای هستند که سخن علی (علیه‌السلام) را قبول دارند و بدین نظر **فتوا** می‌دهند و قضاوت می‌کنند و دیدگاه ابوبکر و عمو و بنی امیه را مردود و باطل می‌دانند.

آن‌گاه امام کاظم (علیه‌السلام)، دیدگاه نوح بن دَرّاج را بیان می‌کند و می‌فرماید: نوح در این مسئله برابر با کلام حضرت علی (علیه‌السلام) قضاوت کرده است؛ در حالی که تو (هارون) او را به عنوان قاضی بصره و کوفه منصوب کرده‌ای.

در اینجا بود که هارون، جمعی از عالمان و قاضیان را مانند **ابراهیم المدنی**، **فضیل بن عیاض**، و **سفیان ثوری** را فراخواند و آنان گواهی دادند که حضرت علی (علیه‌السلام) در این مسئله چنین فرموده است. هارون پرسید: پس چرا شما طبق این نظر قضاوت نمی‌کنید؟ آنان یک صدا گفتند: ما می‌ترسیم، ولی نوح بن دَرّاج ترسی ندارد و انسان شجاعی است.

[۱۷] محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام)، ج ۲، ص ۷۹.

[۱۸] محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۲۷.

## جمیل بن دَرّاج نجعی

جمیل بن دَرّاج، **راوی**، **محدث** و **فقیه** نامدار شیعی می‌باشد.

## — مشخصات جمیل

از تاریخ دقیق تولد وی اطلاعی در دست نیست، اما چون از **صحابه امام صادق**، امام کاظم و **امام رضا (علیهم‌السلام)**

[۱۹] ابو القاسم موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۲۳.

بوده، حداقل بیست سال قبل از **شهادت** امام صادق (۱۴۸) و پیش از سال ۱۲۸ به دنیا آمده است.

**خاندان** وی مقیم کوفه بودند و با **قبیله نَخَع** کوفه پیوند **ولاء** (= وابستگی حمایتی) داشتند، به همین سبب او را **نَجَعی**

[۲۰] احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۲۶.

یا مَوْلَى النَّخَع

[۲۱] محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، ص ۱۷۷.

[۲۲] ابو القاسم موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۲۳.

خوانده‌اند.

کنیه او ابوعلی، یا به گفته **ابن فضال**، ابو محمد بود.

[۱۲] **احمد بن علی نجاشی**، رجال النجاشی، ص ۱۲۶.

به دلیل نزدیکی زمانی ابن فضال با جمیل، گفته ابن فضال درست‌تر دانسته شده است.

پدرش، **ابو الصنیح دراج**،

[۱۵] **احمد بن علی نجاشی**، رجال النجاشی، ص ۱۲۶.

[۱۶] **ابوالقاسم موسوی خوئی**، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۲۲.

بقالی می‌کرد

[۱۷] **محمد بن عمر کثی**، اختیار معرفة الرجال، (تلخیص) محمد بن حسن طوسی، ص ۲۵۲.

و برادر کوچک‌ترش، نوح بن دراج، از راویان **تفه** و **شیعیان** مؤجّه کوفه و **قاضی** آن دیار و در برهه‌ای قاضی بخش شرقی بغداد بود.

[۱۸] **محمد بن عمر کثی**، اختیار معرفة الرجال، (تلخیص) محمد بن حسن طوسی، ص ۲۵۲.

[۱۹] **احمد بن علی خطیب بغدادی**، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۱۶.

## ← وثاقت جمیل

جمیل بن دراج در **حدیث** از مشهورترین و موثق‌ترین راویان **شیعه** است که تمامی رجالین وی را توثیق و تمجید کرده

[۲۰] **محمد بن عمر کثی**، اختیار معرفة الرجال، (تلخیص) محمد بن حسن طوسی، ص ۲۵۱.

و او را با عناوینی چون **تفه**، **شیخ** و **وجه‌الطائفه** ستوده‌اند

[۲۱] **احمد بن علی نجاشی**، رجال النجاشی، ص ۱۲۶.

[۲۲] **محمد بن حسن طوسی**، الفهرست، ص ۹۴.

که هر کدام از این عناوین، به تنهایی، بر اعتبار روایت او نزد نقادان حدیث دلالت می‌کند.

[۲۳] **حسن صدر**، نهاية الدراية، ص ۳۸۶ - ۳۹۴.

[۲۴] **حسن صدر**، نهاية الدراية، ص ۳۹۸ - ۳۹۹.

[۲۵] **محمد بن حسن حر عاملی**، وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۲۸۸-۲۸۹.

## ← فقاقت جمیل

علاوه بر این، کثی

[۲۶] **محمد بن عمر کثی**، اختیار معرفة الرجال، (تلخیص) محمد بن حسن طوسی، ص ۳۷۵.

وی را در زمره هجده تن فقیهی ذکر کرده است که اصحاب **امامیه** (العصابة) بر صحت روایت، تصدیق اقوال و **فقاقت** آنها اتفاق نظر و **اجماع** دارند. کثی

[۲۷] **محمد بن عمر کثی**، اختیار معرفة الرجال، (تلخیص) محمد بن حسن طوسی، ص ۲۳۸.

[۲۸] **محمد بن عمر کثی**، اختیار معرفة الرجال، (تلخیص) محمد بن حسن طوسی، ص ۳۷۵.

[۲۹] **محمد بن عمر کثی**، اختیار معرفة الرجال، (تلخیص) محمد بن حسن طوسی، ص ۵۵۶.

نام‌های این هجده تن را در سه گروه شش نفری آورده و جمیل را در گروه دوم قرار داده است. این سه گروه که در اصطلاح حدیثی شیعه، به **اصحاب اجماع** معروف‌اند

[۳۰] **حسین بن محمدتقی نوری**، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۶۸۷.

و بالاترین درجات اعتماد و وثاقت را در **تفه** و حدیث شیعه دارند به ترتیب در سه طبقه از اصحاب مشترک **امام باقر** و امام صادق (علیهما السلام)، اصحاب امام صادق (علیه السلام) و اصحاب مشترک امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) جای می‌گیرند.

[۳۱] **محمد بن حسن حر عاملی**، وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۲۲۱۲۲۳.

جمیل بن دراج موثق‌ترین و فقیه‌ترین فرد از گروه دوم

[۳۲] **محمد بن حسن طوسی**، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۷۳.

به شمار آمده است.

[۳۳] **حسن بن علی بن داوود حلی**، الرجال، ص ۶۶.

## ← نام جمیل در کتب اربعه

نام او در ۵۷۰ روایت، در **کتب اربعه**، به صورت جمیل بن دراج

[۳۴] **سیدابو القاسم موسوی خوئی**، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۲۴.

و دهها بار با نام جمیل

[۳۵] **سیدابو القاسم موسوی خوئی**، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۱۷.

در اسناد یاد شده است. چون نام جمیل، میان جمیل بن دراج و **جمیل بن صالح**، از اصحاب موثق امام صادق (علیه السلام)، مشترک و محتمل است، وی براساس طبقه و نام قبل و بعد در سلسله **سند**، شناسایی می‌شود.

[۳۶] **محمدامین بن محمدعلی کاظمی**، هدایة المحدثین الی طريقة المحدثین، ص ۳۱-۳۳.

[۳۷] **محمد بن علی اردبیلی**، جامع الرواه، ج ۱، ص ۱۶۶۱۶۷.

## ← ویژگی‌های روایت جمیل

روایت جمیل بن دراج در کتب حدیثی، بیشتر درباره **عقاید**، **اخلاق**، **آداب**، و ابواب مختلف فقه است که خود حاکی از گستردگی **دانش** فقهی اوست. وی نزدیک سیصد حدیث را مستقیماً

از امام باقر، امام صادق و امام کاظم روایت کرده که در این میان، روایت او از امام صادق بسیار بیشتر است.

[۱۲۸] سیدابوالقاسم موسوی خونی، معجم رجال‌الحديث، ج ۴، ص ۱۵۳-۱۵۴.

[۱۲۹] سیدابوالقاسم موسوی خونی، معجم رجال‌الحديث، ج ۴، ص ۴۴۲.

علاوه بر این، از پنجاه و اندی روای حدیث نقل کرده است که غالباً از اصحاب امام صادق بوده‌اند.

[۱۳۰] سیدابوالقاسم موسوی خونی، معجم رجال‌الحديث، ج ۴، ص ۱۵۲-۱۵۳.

بیشترین روایت با واسطه او، به ترتیب فراوانی نقل، نخست از زراره بن اعین (با ۹۲ روایت)

[۱۳۱] سیدابوالقاسم موسوی خونی، معجم رجال‌الحديث، ج ۵، ص ۱۲۵.

و سپس از محمد بن مسلم (با ۵۵ روایت)

[۱۳۲] سیدابوالقاسم موسوی خونی، معجم رجال‌الحديث، ج ۵، ص ۱۲۵.

است که هر دو از بزرگترین فقها و محدثان شیعه و از گروه اول اصحاب اجماع بوده‌اند. جمیل به زراره بن اعین بسیار ارادت داشت. وی همچنین از سه تن دیگر از اصحاب اجماع روایت کرده است که عبارت‌اند از: فضیل بن یسار بصری و ابویسیر، از اصحاب امام باقر و امام صادق؛ و عبدالله بن یحیی، از اصحاب امام صادق.

[۱۳۳] سیدابوالقاسم موسوی خونی، معجم رجال‌الحديث، ج ۵، ص ۱۲۹.

از نکات شایان توجه در روایت جمیل این است که ظاهراً در بسیاری از نقل‌های یک واسطه‌ای از معصوم (علیه‌السلام)، طرق متعدد داشته، به همین دلیل در افزون بر پنجاه روایت او در کتب حدیثی، واسطه وی تا امام با این عبارات یاد شده است: عن بعض اصحابنا، عن جماعة من اصحابنا، و عن بعض اصحابه.

[۱۳۴] سیدابوالقاسم موسوی خونی، معجم رجال‌الحديث، ج ۵، ص ۱۳۰.

## ← راویان روایت از جمیل

بیش از چهل تن از جمیل روایت کرده‌اند

[۱۳۵] سیدابوالقاسم موسوی خونی، معجم رجال‌الحديث، ج ۴، ص ۱۵۳.

که، به ترتیب فراوانی روایت منقول، عبارت‌اند از: محمد بن ابی‌عُمیر آزدی، از اصحاب اجماع و بزرگان صحابه امام کاظم و امام رضا؛ علی بن خدیج، از اصحاب امام رضا و امام جواد؛ احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی، از اصحاب اجماع و بزرگان اصحاب امام کاظم و امام رضا؛ جعفر بن محمد بن حکیم، از اصحاب امام کاظم؛ و فضالة بن ایوب، از اصحاب اجماع و از اصحاب امام کاظم و امام رضا.

[۱۳۶] سیدابوالقاسم موسوی خونی، معجم رجال‌الحديث، ج ۴، ص ۴۴۹.

همچنین برخی از بزرگان فقه و حدیث در زمره ناقلان احادیث اویند، از جمله حسن بن محبوب سزاد (زراد) و یونس بن عبدالرحمن، هر دو از محدثان و فقیهان اصحاب اجماع در طبقه یاران امام کاظم و امام رضا؛ حماد بن عثمان، از اصحاب اجماع و از اصحاب امام صادق؛ حسن بن علی بن فضال، صفوان بن یحیی و عبدالله بن مغیره نجلی، از اصحاب اجماع در گروه اصحاب مشترک امام کاظم و امام رضا.

[۱۳۷] سیدابوالقاسم موسوی خونی، معجم رجال‌الحديث، ج ۴، ص ۱۵۳.

به این ترتیب، از حدود چهارده تن اصحاب اجماع (با توجه به اختلاف‌نظر در افراد طبقه سوم) که در طبقه او و پس از او جای می‌گیرند، نه تن به نقل احادیث او پرداخته‌اند.

## ← تألیفات جمیل

از جمیل سه تألیف گزارش شده است: یکی به صورت مستقل، دیگری تألیف مشترک با مُرازم بن حکیم آزدی مدانی و سومی تألیف مشترک با محمد بن خمران.

[۱۳۸] سیدابوالقاسم موسوی خونی، معجم رجال‌الحديث، ج ۵، ص ۱۲۲-۱۲۳.

[۱۳۹] احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ج ۱، ص ۱۲۷.

از تألیف مستقل او گاهی با تعبیر اصل - که حاکی از اعتبار آن در مجموعه احادیث شیعه است - و گاهی با نام کتاب یاد شده است.

[۱۴۰] احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ج ۱، ص ۱۲۷.

[۱۴۱] محمد بن حسن طوسی، فهرست کتب‌الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، ص ۹۴.

این اختلاف تعبیر نباید موجب تصور دو تا بودن آن‌ها شود.

طریق نقل اصل جمیل بسیار متعدد است که از آن میان، محمد بن ابی‌عمیر در طریق نجاشی و شیخ طوسی و ابوغالب زراری‌اند، علی بن حدید در طریق ابوغالب زراری است، جعفر بن محمد بن حکیم در طریق ابوغالب زراری است و صفوان بن یحیی در طریق شیخ طوسی.

[۱۴۲] احمد بن محمد زراری، رساله ابی‌غالب الزراری الی ابن‌ابنه فی ذکر آل اعین، ص ۱۶۵.

[۱۴۳] احمد بن محمد زراری، رساله ابی‌غالب الزراری الی ابن‌ابنه فی ذکر آل اعین، ص ۱۷۳.

[۱۴۴] احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ج ۱، ص ۱۲۷.

[۱۴۵] محمد بن حسن طوسی، فهرست کتب‌الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، ص ۹۴.

به جز بخش کوتاهی از اصل این کتاب، که این‌ادر پین حلی در پایان کتاب‌السران

[۱۴۶] این‌ادر پین حلی، کتاب‌السران، ج ۳، ص ۵۶۷۵۶۸.

آورده، دیگر بخش‌های آن به تفاریق در آثار مختلف آمده است.

[۱۴۷] حسین مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر ۱، ص ۳۶۹.

دو کتاب دیگر او نیز دارای راویان بسیارند که از آن جمله علی بن حدید است که نجاشی، کتاب مشترک‌التألیف جمیل بن دراج و مرازم بن حکیم را، با چند واسطه از علی بن حدید، نقل کرده است.

[۱۴۸] احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ج ۱، ص ۱۲۷.

[۱۴۹] احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ج ۱، ص ۴۲۴.

روایت کتاب جمیل به‌وسیله ناقلان یاد شده، به ویژه محمد بن ابی‌عُمیر و علی بن حدید، ممکن است توضیحی برای فراوانی روایت آنان از جمیل بن دراج در کتب‌های حدیثی باشد که قبلاً به آن‌ها اشاره شد (برای بخش‌های باقی‌مانده از این دو کتاب رجوع کنید به مدرسی طباطبائی).

[۱۵۰] حسین مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر ۱، ص ۳۶۹-۳۷۰.

(.

جمیل از حاملان احادیث خاص امامان محسوب می‌شد و حتی امام صادق (علیه‌السلام) او را از نقل برخی احادیث که نزد همه شیعیان شناخته شده نیست برحذر می‌داشت، زیرا موجب تکذیب جمیل می‌شد.

[۶۱] محمد بن عمر کثی، اختیار معرفة الرجال، (تلخیص) محمد بن حسن طوسی، ص ۲۵۱.

### ← شک جمیل در امامت امام رضا

جمیل تا مدتی کوتاه پس از شهادت امام کاظم، در امامت امام رضا (علیه‌السلام) شک داشت و از اینرو جزو واقفیه به شمار آمد.

[۶۲] حسین بن محبتی نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۹۶.

### ← عول از شک

اما پس از ملاحظه شواهد دال بر امامت امام رضا،

[۶۳] سیدابو القاسم موسوی خوئی، معجم رجال‌الحديث، ج ۵، ص ۱۲۴.

به همراه جمعی از اصحاب بزرگ امام کاظم (علیه‌السلام)، همچون احمد بن محمد بزّظی و یونس بن یعقوب، از این نظر عول کرد و از وفاداران امام رضا شد.

[۶۴] محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۷۱.

### ← ویژگی‌های علمی و اخلاقی جمیل

از پارهای روایات و گفتگوهای اصحاب امامیه با او برمی‌آید که در زمان حیات نیز به نیک محضری و پرفایندگی مجلس اشتها داشته و از عالمان اهل عبادت و ورع و ادب اسلامی محسوب می‌شده است.

[۶۵] محمد بن عمر کثی، اختیار معرفة الرجال، (تلخیص) محمد بن حسن طوسی، ص ۱۳۴.

### ← درگذشت جمیل

جمیل در اواخر عمر نابینا شد و در روزگار امام رضا (علیه‌السلام) وفات یافت (نجاشی، ص ۱۲۷).

[۶۶] سیدابو القاسم موسوی خوئی، معجم رجال‌الحديث، ج ۵، ص ۱۲۲.

### ایوب بن نوح دراج نخعی

ایوب بن نوح دراج نخعی یکی از محدثان بزرگ شیعه که رسالت نقل احادیث امامان را بر دوش می‌کشیده است. او در شمار یاران حضرت رضا (علیه‌السلام) و حضرت جواد (علیه‌السلام)، و حضرت هادی (علیه‌السلام) و حضرت عسکری (علیه‌السلام) به شمار می‌رود. او سمت وکالت و مسئولیت امور مالی و اخذ وجوهات شرعیه شیعیان را نیز از ناحیه امام هادی و امام عسکری (علیه‌السلام)، عهده‌دار بود.

### ← مقدمه

این نوشتار، به معرفی سیمای تابناک یکی از محدثان بزرگ شیعه می‌پردازد که رسالت نقل احادیث امامان را بر دوش می‌کشیده است. درباره تاریخ ولادت او، به‌طور دقیق نمی‌توان سخن گفت، ولی از راه شناخت امامانی که او یکی از اصحاب آنان بوده و با توجه به استادان و شاگردانش، می‌توان گفت که ایوب بن نوح در اواسط سده دوم هجری در شهر تاریخی و محدث‌پرور کوفه در خانه محدث بزرگ نوح بن دراج پا به عرصه هستی نهاد. پدرش نام ایوب را برایش برگزید. لقب او نخعی و کنیه‌اش ابوالحسین است و چون در شهر مزبور ولادت یافت، به کوفی نیز اشتها دارد.

[۶۷] احمد بن ابی عبدالله بن خالد برقی، رجال برقی، ص ۵۷، چاپ دانشگاه تهران، سال ۱۳۴۲ ش.

[۶۸] احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۷۴.

[۶۹] محمد بن حسن طوسی، فهرست طوسی، ص ۵۶.

[۷۰] محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ج ۲، ص ۸۴۱.

خاندانی که این نوبلوه در آن پرورش یافت و مراحل رشد و ترقی را سپری کرد، به گونه‌ای بود که شمیم و عطر ولایت اهل بیت (علیه‌السلام) آن را فرا گرفته و دل و جان این خانواده سرشار از مهر و عشق به امیر المؤمنین بود.

ایوب در این فضا تنفس می‌کرد و بدین‌سان بود که به سوی آموختن و فراگیری معارف و حقایق نبل اسلام از سرچشمه‌های زلال آن، که رهبران معصوم (علیه‌السلام) بودند، گرایش یافت و در این مسیر خطیر گام نهاد.

او در موقعیتی (سده دوم و سوم هجری) به مکتب آل‌البیت تمسک جست که گرایش‌های فکری عجیب و چالش‌های فکری و دینی گوناگون در قلمرو جهان اسلام وجود داشت.

صاحبان اندیشه‌های باطل و ناصواب، با آب و تاب فراوان به تبلیغ اندیشه‌ها و نگرش‌های خود می‌پرداختند، ولی او توانست از میان همه راه‌های انحرافی، راه مستقیم را به یاری

#### ← ایوب در محضر امامان

اینک به شرح زندگی و حالات ایوب بن نوح باز می‌گردیم. این راوی و لامقام کوفی، در آن شهر زاده شد و مراحلی از عمر خود را در آنجا سپری کرد و از محضر بزرگان و حدیث‌شناسان آن سامان بهره برد، ولی گویی از عطش و عشق سرشار به فهمیدن بیشتر و یادگیری آموزه‌های دینی جز در آستانه مکتب امامان معصوم کاسته نمی‌شد و چنین بود که با کوشش، تلاش و همراهی توفیق و لطف حق تعالی، شایستگی آن را یافت که محضر چهار تن از پیشوایان بزرگ خاندان عصمت و طهارت را درک کند و توفیق صحابی بودن و وکالت از سوی آنان را از آن خود سازد.

این **شیخ طوسی** است که در میراث‌گران بهایش، او را در شمار یاران حضرت رضا (علیه‌السلام) و حضرت جواد (علیه‌السلام) و حضرت هادی (علیه‌السلام) و حضرت عسکری (علیه‌السلام) به شمار می‌رود.

[۱۱] محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ص ۳۶۸.

[۱۲] محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ص ۳۹۸.

[۱۳] محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ص ۴۱۰.

نجاشی می‌گوید: ایوب بن نوح افزون بر اینکه از گروه یاران این امامان بود، سمت وکالت و مسئولیت امور مالی و اخذ جوهلت شرعیه شیعیان را نیز از ناحیه امام هادی و امام عسکری (علیه‌السلام)، عهده‌دار بود. البته این مسئولیت خطیر، نشانی از جایگاه و قدر و منزلت رفیع ایوب بن نوح است.

[۱۴] احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.

[۱۵] حسن بن یوسف حلّی، رجال حلّی، ص ۵۴.

[۱۶] احمد بن ابی عبدالله بن خالد برقی، رجال برقی، ص ۵۷.

[۱۷] سیدابوالقاسم موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۷۱.

#### ← استادان

چنین‌که گفته شد، ایوب بن نوح نزد گروه زیادی از کسانی که عمر خویش را در راه فراگیری این معارف سپری کرده بودند، حضور پیدا کرد و دانش و اندوخته علمی خویش را بسط و توسعه داد. استادان او فراوانند و ما به ذکر جمعی از برجسته‌ترین آنان بسنده می‌کنیم:

۱. **ابن ابی عمیر**، ۲. **عبدالله بن سنن**، ۳. **عبدالله بن مسکن**، ۴. **حریز بن عبدالله**، ۵. **حسن بن علی الوشاء**، ۶. **حسن بن محبوب**، ۷. **حسین بن عثمان**، ۸. **صفوان بن یحیی**، ۹. **علی بن نعمان رازی**، ۱۰. **محمد بن سنن**.

[۱۸] سیدابوالقاسم موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۷۱.

#### ← شاگردان

این شاگرد مکتب اهل بیت، بعد از سال‌ها تلاش و آموختن اخبار خاندان عصمت و طهارت، سرانجام خود استاد مسلم حدیث گردید و گروهی از جویندگان و تشنه‌کامان دریافت حدیث، گرد شمع وجودش جمع شدند و از شعله دانش و کمال او نور گرفتند. باز به عنوان تکریم و پاسداشت شاگردان او، نام برخی از آنان را ذکر می‌کنیم:

محمد بن **علی بن محبوب قمی**،

احمد بن **محمد بن خالد برقی قمی**،

**سعد بن عبدالله قمی**،

**عبدالله بن جعفر حمیری**،

محمد بن **عبدالله بن جعفر حمیری**،

حسن بن **علی بن فضل**،

**محمد بن حسن صفار قمی**،

**ایان بن عثمان**،

**علی بن مهزیار اهوازی**.

[۱۹] عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۵۹.

[۲۰] سیدابوالقاسم موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۷۲.

[۲۱] محمدتقی شوشتری، قاموس الرجال، ج ۲، ص ۱۴۴.

[۲۲] موسی زنجانی، الجامع فی الرجال، ص ۲۹۲.

#### ← وجاهت ایوب

با توجه به آنچه نگاشته شد، تمام دانشوران دانش رجال و زندگی‌نامه نویسان از دیرباز تا روزگار معاصر، ایوب بن نوح را مورد عالی‌ترین ستایش‌ها و تکریم‌ها قرار داده‌اند و او را به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره موجه و موق به حساب آورده‌اند. طوسی و نجاشی و حلّی و دیگران نوشته‌اند که او محدثی موجه و بلند مرتبه است.

[۲۳] محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ص ۳۶۸.

[۲۴] محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ص ۴۱۰.

[۲۵] محمد بن حسن طوسی، فهرست طوسی، ص ۱۶.

[۲۶] احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.

[۲۷] مصطفی بن حسین نقرشی، نقد الرجال، ص ۲۶۰.

[۲۸] حسن بن علی بن داود حلّی، رجال ابن داود، ص ۶۴.

#### ← خصلت‌های معنوی و انسانی

گاه در میان راویان کسانی دیده می‌شوند که پس از منت‌ها و سالیان زیاد که در مسیر حق و حقیقت و طلب حدیث گام نهاده‌اند، ناگهان به دلایلی چون طمع‌ورزی و آزمندی و برای دستیابی به مال و مقام و موقعیت‌های اجتماعی، دچار انحراف و گرایش‌های باطل شده‌اند. با این همه، بسیاری از این انسان‌های والا و بزرگ، در حیطه فرهنگی و اجتماعی و سیاسی خویش، پاک و پاکیزه زیستند و بدون کمترین انحراف در خط‌روشن ولایت اهل بیت، ثابت و پابرجا ماندند که یکی از آنان، ایوب بن نوح است. او در **امانت‌داری** سرآمد روزگار بود و از این‌رو، به عنوان نماینده وکیل دو تن از امامان در اخذ وجوهت شرعی معرفی شد: «کن وکیلاً لابی الحسن (علیه‌السلام) و ابی محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) عظیم المنزله عندهما ماموناً» [۹۰] **احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.**

او در پروا پیشگی و **ورع** به جایی رسید که در شان او گفته‌اند: «کن شدید الورع» ایوب در دریای **پرستش پرورنگار** غرق می‌شد و خدایش را پرستش می‌کرد و در درگاه باری‌تعالی چندان خاضع و خاشع و فروتن بود که گفته‌اند: «کن گنیر العباد». همچنین او در صلاحیت و شایستگی روحی، به مقامی ارتقاء یافت که او را از چهره‌های صالح و بندگان شایسته حق تعالی شمرده‌اند: «کن من عباد الله الصالحین؛ او از بندگان صالح خدا بود» [۹۱]

[۹۱] **احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.**

[۹۲] **محمد بن حسن طوسی، رجال کشی، ج ۱، ص ۵۷۲.**

کشی و نجاشی می‌گویند: گروهی از مخالفان مکتب آل‌البیت و یاران آنان، به **دروغ** و **تزویر**، میان مردم شایع کرده بودند که ایوب بن نوح، چون نمایندگی امور مالی امامان را پذیرفته، **مل** و منال فراوان و انبوهی را به دست آورده و در نتیجه بعد از مرگش **اموال** بسیاری به جای خواهد نهاد، ولی هنگامی که او چشم از **دنیا** فرو بست، بر همگان آشکار شد که تمام حرف و حدیث‌ها، تهمت‌های ناجوانمردانه به **انسان** والا و برجسته‌ای بوده که در مکتب اهل‌بیت پرورش یافته است. هنگامی که اموال و دارایی او را بعد از مرگش حساب کردند، تمام آن بیش از **۱۵۰ دینار** نبود و این شاهدهی است بر ارزش‌های عمیقی که ایوب به آن‌ها اعتقاد و باور داشت و هرگز آلوده به زرق و برق و دنیا نشد، با آنکه صدها هزار دینار از وجوه شرعی در اختیار او بود.

[۹۳] **احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.**

[۹۴] **احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۸۴۲.**

#### ← فرزند ایوب

اینکه این محدث کوفی آیا فرزند یا فرزندانی داشته است یا نه، در زندگی‌نامه‌ها بدان اشاره نشده، ولی چون کنیه‌اش ابوالحسین است، شاید بشود گفت که او فرزندی به نام حسین داشته است (چون اعراب **کنیه** خود را از نام فرزند اول خود برمی‌گزینند).

#### ← میراث جاودان

ایوب افزون بر آنکه در حوزه تدریس و تعلیم، ده‌ها **روایت** را برای شاگردانش القا و بازگو می‌کرد، اما آثاری هم پدید آورد. در این‌باره گفته‌اند: «له کتاب النوادر» [۹۵]

[۹۵] **احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.**

[۹۶] **آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۷۴.**

[۹۷] **سیدمحسن امین، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۵۲۶.**

[۹۸] **ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۹۰.**

[۹۹] **عنایت‌الله قهیبی، مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۱۲.**

و «له کتاب و روایت، و مسائل عن ابی‌الحسن الثالث (علیه‌السلام)»

[۱۰۰] **محمد بن حسن طوسی، فهرست طوسی، ص ۵۶.**

#### ← گرایش روایتی ایوب

آن‌گونه که پژوهشگران حوزه حدیث گفته‌اند: از این محدث فرزانه، حدود ۲۵۵ روایت در کتب‌های حدیثی شیعی به یادگار مانده است که با یک نگاه ژرف و کوتاه به دست می‌آید که جهت‌گیری و گرایش کلی روایت او معطوف به بیان رفتارهای عبادی و فردی مکلفان است، مانند احکام **نماز**، **حج**، **روزه**، **معاملات**، **نکاح** و **طلاق** و.... البته چند روایت نیز از او نقل شده که مربوط است به **امامت** و **ثواب** و **یادش زیارت امامان معصوم** (علیه‌السلام).

[۱۰۱] **محمد بن علی اردبیلی، جامع الروایه، ج ۱، ص ۱۱۲.**

#### ← روایت با واسطه ایوب

ایوب با واسطه از **امام صادق (علیه‌السلام)** نقل می‌کند که فرمود: هرگاه امام و **حجت خدا** اراده کند حقایقی را بداند، و آن را از **عالم ماوراءالطبیعه** فراگیرد، **خداوند** متعال او را مورد عنایت قرار می‌دهد و معارف و دانش‌ها را بر قلب و جان او سرازیر می‌کند.

[۱۰۲] **محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۸.**



ثواب زیارت امام رضا (علیه‌السلام)

**این قولویه قمی** از قول **حمدان دسوا** نقل می‌کند: روزی به محضر مولایم حضرت امام جواد (علیه‌السلام) تشریف پیدا کردم و به ایشان عرض کردم: پادشاه زائری که مرقد پدیرت حضرت رضا علی بن موسی‌الرضا را در **خراسان** زیارت کند، چقدر است؟ امام در پاسخ فرمود: کسی که قبر پدرم را زیارت کند، خداوند **گناهان** حال و گذشته او را خواهد آمرزید. حمدان می‌گوید: من ایوب بن نوح را ملاقت کردم و گفتم: ای ابالحسین! من از مولا و حجت خدا امام جواد، چنین و چنان شنیدم، ایوب گفت: آیا من به دانش تو بیش از آنچه شنیده‌ای، نیفزایم؟ گفتم: بله. گفت: من از امام جواد (علیه‌السلام) این روایت را شنیدم و سپس آن حضرت افزود: کسانی که پدرم را زیارت کنند، در روز قیامت برای آنان منبرهایی در مقابل **منبر رسول‌الله** نهاده خواهد شد، تا همه از حسلب و کتلب قیامت فارغ شوند.

آن‌گاه حمدان می‌گوید: من بعد از چندی، ایوب بن نوح را دیدم که به شهر طوس به زیارت حضرت رضا (علیه‌السلام) مشرف شده. تا مرا دید گفت: به زیارت مولایم آمده‌ام و هدفم به دست آوردن منبری است که امام جواد (علیه‌السلام) فرموده است.

**۱۰۳۱** این قولویه قمی، کامل الزیارات، باب ۱۰۱، ص ۳۰۴، ج ۳، ص ۳۰۵.

دعا برای **امام زمان (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف)**

ایوب می‌گوید: روزی نزد حضرت هادی (علیه‌السلام) بودم که امام **عطسه** کرد. به آن حضرت عرض داشتم: جانم به فدایت! هنگامی که امام و حجت‌الله عطسه می‌کند و ما می‌شنویم، چگونه باید دعا کنیم؟ فرمود: این‌گونه دعا کنید: «صلی‌الله‌علیکم»

**۱۰۴۱** محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ج ۱.

شیخ طوسی در کتلب غیبت، هنگامی که اصحاب شایسته امامان را می‌شمرد، چنین می‌نگارد: «از این گروه است: ایوب بن نوح» سپس این داستان را بازگو می‌کند: **عمر و بن سعید مدائنی** می‌گوید: روزی در نزدیک شهر مدینه - صریا - نزد امام هادی (علیه‌السلام) بودم که ناگاه ایوب بن نوح نزد آن حضرت آمد. امام ایوب را به دنبال کاری فرستاد و سپس فرمود: ای عمرو! اگر می‌خواهی مردی از اهل بهشت را بگیری، به سیمای این مرد بنگر.

**۱۰۵۱** محمد بن حسن طوسی، غیبة طوسی، ص ۳۴۹.

← غروب نامعلوم

ایوب بن نوح بی تردید تا سال ۲۶۰ق زنده بوده است، اما اینکه بعد از این تاریخ در چه سالی و در کدام سرزمینی از این جهان خاکی چشم فرو بسته، هیچ یک معلوم نیست و در زندگی‌نامه‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

کتب‌نامه

- (۱) ابن‌ادریس حلی، کتلب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، ۱۴۱۰-۱۴۱۱.
- (۲) ابن داوود حلی|ابن داوود حلی، کتلب رجال ابن داوود|الرجال، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۴۲ش.
- (۳) محمد بن علی اردبیلی، جامع‌الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، بیروت، ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
- (۴) حرّعاملی، وسائل الشیعه.
- (۵) خطیب بغدادی، تاریخ بغداد.
- (۶) ابوالقاسم خوئی، معجم رجال‌الحديث.
- (۷) احمد بن محمد زراری، رساله‌ابی‌غالب الزراری الی ابن‌ابنه فی ذکر آل‌عین، چاپ محمد رضا حسینی، قم، ۱۴۱۱.
- (۸) جعفر سبحانی، کلیت فی علم‌الرجال، قم، ۱۴۱۴.
- (۹) حسن صدر، نه‌ایة‌الدرایه فی شرح الرسالة الموسومة بالوجيزة للبهانی، چاپ ملحد غرباوی، قم، ۱۴۱۳.
- (۱۰) محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۴۱۵.
- (۱۱) محمد بن حسن طوسی، فهرست کتلب‌الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب‌الاصول، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم، ۱۴۲۰.
- (۱۲) محمد بن حسن طوسی، کتلب‌الغیبه، چاپ عبدالله طهرانی و علی‌احمد ناصح، قم، ۱۴۱۱.
- (۱۳) محمدامین بن محمدعلی کاظمی، هدایة‌المحدثین الی طریفة‌المحمدین، چاپ مهدی رجایی، قم، ۱۴۰۵.
- (۱۴) محمد بن عمر کشی، اختیار معرفة‌الرجال، (تلخیص) محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ش.
- (۱۵) حسین مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر ۱، ترجمه علی‌قزائی و رسول جعفریان، قم، ۱۳۸۳ش.
- (۱۶) احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی‌الشیعة المشتهر برجال‌النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۰۷.
- (۱۷) حسین بن محمدتقی نوری، خاتمة‌مستدرک‌الوسائل، قم، ۱۴۱۵-۱۴۲۰.

پانویس

۱. ↑ ذهبی، شمس‌الدین، میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۷۶.
۲. ↑ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱۵، ص ۴۳۱.
۳. ↑ محمد بن حسن طوسی، رجال کشی، ج ۱، ص ۲۵۲.
۴. ↑ احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۲۶.
۵. ↑ احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.
۶. ↑ محمد بن حسن طوسی، رجال کشی، ج ۱، ص ۲۵۱.
۷. ↑ ابوالقاسم موسوی خوئی، معجم رجال‌الحديث، ج ۲۰، ص ۱۹۶.
۸. ↑ محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار‌الرضا (علیه‌السلام)، ج ۲، ص ۷۹.
۹. ↑ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۲۷.
۱۰. ↑ ابوالقاسم موسوی خوئی، معجم رجال‌الحديث، ج ۵، ص ۱۲۳.
۱۱. ↑ احمد بن علی نجاشی، رجال‌النجاشی، ص ۱۲۶.



- ↑ محمد بن حسن طوسي، رجال الطوسي، ص ۱۷۷. ۱۲.
- ↑ ابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۲۳. ۱۳.
- ↑ احمد بن علي نجاشي، رجال النجاشي، ص ۱۲۶. ۱۴.
- ↑ احمد بن علي نجاشي، رجال النجاشي، ص ۱۲۶. ۱۵.
- ↑ ابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۲۲. ۱۶.
- ↑ محمد بن عمر كشي، اختيار معرفة الرجال، (تلخيص) محمد بن حسن طوسي، ص ۲۵۲. ۱۷.
- ↑ محمد بن عمر كشي، اختيار معرفة الرجال، (تلخيص) محمد بن حسن طوسي، ص ۲۵۲. ۱۸.
- ↑ احمد بن علي خطيب بغدادي، تاريخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۱۶. ۱۹.
- ↑ محمد بن عمر كشي، اختيار معرفة الرجال، (تلخيص) محمد بن حسن طوسي، ص ۲۵۱. ۲۰.
- ↑ احمد بن علي نجاشي، رجال النجاشي، ص ۱۲۶. ۲۱.
- ↑ محمد بن حسن طوسي، الفهرست، ص ۹۴. ۲۲.
- ↑ حسن صدر، نهاية الدراية، ص ۳۸۶ - ۳۹۴. ۲۳.
- ↑ حسن صدر، نهاية الدراية، ص ۳۹۸ - ۳۹۹. ۲۴.
- ↑ محمد بن حسن حر عاملي، وسائل الشيعه، ج ۳۰، ص ۲۸۸-۲۸۹. ۲۵.
- ↑ محمد بن عمر كشي، اختيار معرفة الرجال، (تلخيص) محمد بن حسن طوسي، ص ۳۷۵. ۲۶.
- ↑ محمد بن عمر كشي، اختيار معرفة الرجال، (تلخيص) محمد بن حسن طوسي، ص ۲۳۸. ۲۷.
- ↑ محمد بن عمر كشي، اختيار معرفة الرجال، (تلخيص) محمد بن حسن طوسي، ص ۳۷۵. ۲۸.
- ↑ محمد بن عمر كشي، اختيار معرفة الرجال، (تلخيص) محمد بن حسن طوسي، ص ۵۵۶. ۲۹.
- ↑ حسين بن محمدنقى نوري، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۶۸۷. ۳۰.
- ↑ محمد بن حسن حر عاملي، وسائل الشيعه، ج ۳۰، ص ۲۲۱۲۲۳. ۳۱.
- ↑ محمد بن حسن طوسي، اختيار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۷۳. ۳۲.
- ↑ حسن بن علي بن داود حلّي، الرجال، ص ۶۶. ۳۳.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۲۴. ۳۴.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۱۷. ۳۵.
- ↑ محمدامين بن محمدعلي كاظمي، هداية المحدثين الى طريقة المحمدين، ص ۳۱-۳۳. ۳۶.
- ↑ محمد بن علي اردبيلي، جامع الرواه، ج ۱، ص ۱۶۶۱۶۷. ۳۷.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۱۵۳-۱۵۴. ۳۸.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۴۴۲. ۳۹.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۱۵۳-۱۵۲. ۴۰.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۲۵. ۴۱.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۲۵. ۴۲.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۲۹. ۴۳.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۳۰. ۴۴.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۱۵۳. ۴۵.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۴۴۹. ۴۶.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۱۵۳. ۴۷.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۲۲-۱۲۳. ۴۸.
- ↑ احمد بن علي نجاشي، رجال نجاشي، ج ۱، ص ۱۲۷. ۴۹.
- ↑ احمد بن علي نجاشي، رجال نجاشي، ج ۱، ص ۱۲۷. ۵۰.
- ↑ محمد بن حسن طوسي، فهرست كتب الشيعة و اصولهم و اسماء المصنفين و اصحاب الاصول، ص ۹۴. ۵۱.
- ↑ احمد بن محمد زراري، رساله ابى غالب الزراري الى ابن ابنيه في نكر آل اعين، ص ۱۶۵. ۵۲.
- ↑ احمد بن محمد زراري، رساله ابى غالب الزراري الى ابن ابنيه في نكر آل اعين، ص ۱۷۳. ۵۳.
- ↑ احمد بن علي نجاشي، رجال نجاشي، ج ۱، ص ۱۲۷. ۵۴.
- ↑ محمد بن حسن طوسي، فهرست كتب الشيعة و اصولهم و اسماء المصنفين و اصحاب الاصول، ص ۹۴. ۵۵.
- ↑ ابن ادريس حلّي، كتب السرائر، ج ۳، ص ۵۶۷۵۶۸. ۵۶.
- ↑ حسين مدرسي طباطبائي، ميراث مكتوب شيعه از سه قرن نخستين هجري، دفتر ۱، ص ۳۶۹. ۵۷.
- ↑ احمد بن علي نجاشي، رجال نجاشي، ج ۱، ص ۱۲۷. ۵۸.
- ↑ احمد بن علي نجاشي، رجال نجاشي، ج ۱، ص ۲۲۴. ۵۹.
- ↑ حسين مدرسي طباطبائي، ميراث مكتوب شيعه از سه قرن نخستين هجري، دفتر ۱، ص ۳۶۹-۳۷۰. ۶۰.
- ↑ محمد بن عمر كشي، اختيار معرفة الرجال، (تلخيص) محمد بن حسن طوسي، ص ۲۵۱. ۶۱.
- ↑ حسين بن محمدنقى نوري، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۹۶. ۶۲.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۲۴. ۶۳.
- ↑ محمد بن حسن طوسي، الغيبة، ص ۷۱. ۶۴.
- ↑ محمد بن عمر كشي، اختيار معرفة الرجال، (تلخيص) محمد بن حسن طوسي، ص ۱۳۴. ۶۵.
- ↑ سيدابو القاسم موسوي خوني، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۲۲. ۶۶.
- ↑ احمد بن ابى عبدالله بن خالد برقي، رجال برقي، ص ۵۷، چاپ دانشگاه تهران، سال ۱۳۴۲. ۶۷.
- ↑ احمد بن علي نجاشي، رجال نجاشي، ص ۷۴. ۶۸.

۶۹. [↑ محمد بن حسن طوسی، فهرست طوسی، رجال طوسی، ج ۱، ص ۵۶، ۸۴.](#)
۷۱. [↑ محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ص ۳۶۸.](#)
۷۲. [↑ محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ص ۳۹۸.](#)
۷۳. [↑ محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ص ۴۱۰.](#)
۷۴. [↑ احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.](#)
۷۵. [↑ حسن بن یوسف حلّی، رجال حلّی، ص ۵۴.](#)
۷۶. [↑ احمد بن ابی عبدالله بن خالد برقی، رجال برقی، ص ۵۷.](#)
۷۷. [↑ سیدابو القاسم موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۷۱.](#)
۷۸. [↑ سیدابو القاسم موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۷۱.](#)
۷۹. [↑ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۵۹.](#)
۸۰. [↑ سیدابو القاسم موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۷۲.](#)
۸۱. [↑ محمدتقی شوشتری، قاموس الرجال، ج ۲، ص ۱۴۴.](#)
۸۲. [↑ موسی زنجانی، الجامع فی الرجال، ص ۲۹۲.](#)
۸۳. [↑ محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ص ۳۶۸.](#)
۸۴. [↑ محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، ص ۴۱۰.](#)
۸۵. [↑ محمد بن حسن طوسی، فهرست طوسی، ص ۱۶.](#)
۸۶. [↑ احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.](#)
۸۷. [↑ مصطفی بن حسین نقرشی، نقد الرجال، ص ۲۶.](#)
۸۸. [↑ حسن بن علی بن داود حلّی، رجال ابن داود، ص ۶۴.](#)
۸۹. [↑ علی بن عبدالله علیاری تبریزی، بهجة الامال، ج ۲، ص ۳۷۴.](#)
۹۰. [↑ احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.](#)
۹۱. [↑ احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.](#)
۹۲. [↑ محمد بن حسن طوسی، رجال کثی، ج ۱، ص ۵۷۲.](#)
۹۳. [↑ احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.](#)
۹۴. [↑ احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۸۴۲.](#)
۹۵. [↑ احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۰۲.](#)
۹۶. [↑ آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۷۴.](#)
۹۷. [↑ سیدمحمدحسن امین، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۵۲۶.](#)
۹۸. [↑ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۹۰.](#)
۹۹. [↑ عنایت‌الله قهپایی، مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۱۲.](#)
۱۰۰. [↑ محمد بن حسن طوسی، فهرست طوسی، ص ۵۶.](#)
۱۰۱. [↑ محمد بن علی اردبیلی، جامع الروایه، ج ۱، ص ۱۱۲.](#)
۱۰۲. [↑ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۸.](#)
۱۰۳. [↑ ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، باب ۱۰۱، ص ۳۰۴، ج ۳، ص ۳۰۵.](#)
۱۰۴. [↑ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۱.](#)
۱۰۵. [↑ محمد بن حسن طوسی، غیبه طوسی، ص ۳۴۹.](#)

#### منبع

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دانش‌المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «جمیل بن دراج»، ص ۴۸۹۸.  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگرفته از مقاله «ابوب بن نوح»، تاریخ باز نیایی ۱۳۹۶/۰۹/۲۲.

رده‌های این صفحه: [خاندان دراج](#) | [راویان از امامان شیعه](#) | [راویان موثق شیعه](#)